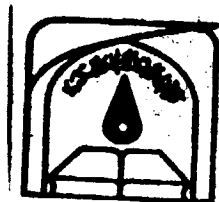


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

127
11/99
308
10/10/01

٧٥٦٠٣

از انجمن هیات مدیران
توسعه و انتشارات



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

۱۳۸۱ / ۲ / ۱۰

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه

« کلیات » از دیدگاه فخر رازی و راسل

زهرا شفیعی نیا

استاد راهنما.

دکتر احد فرامرز قراملکی

استاد مشاور

دکتر علی اکبر احمدی افرمجانی

۱۳۸۰

۶۰۹۴۸

تاییدیه اعضای هیئت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان نامه خانم/آقای

تحت عنوان

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند.

اعضای هیئت داوران

۱- استاد رامنا

۲- استاد مشاور

۳- استاد ناظر

۴- استاد ناظر

۵- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

روز انقضای آزمون علمی ایران
تهران مهر ۱۳۸۸

روز انقضای آزمون علمی ایران
تهران مهر ۱۳۸۸

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس میباید بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به مرکز نشر دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته علم است که

در سال ۱۳۸۰ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب

آقای دکتر قزاملکی و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر احمدی فرجانی از

آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های نشریات دانشگاه تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به

مرکز نشر دانشگاه اهدا کند دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه

کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از

طریق مراجع قضایی مطالبه و وصل کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه،

معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶: اینجانب زهرا سعیدی دانشجوی رشته علم مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق

و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم

تقدیر و تشکر

با بضاعت اندک و معلومات ناچیزی که در این سالهای آموختن فلسفه که از اقیانوس بیکران و ژرف آن، تنها نمی و اندکی بهره مند گشتم، و می توان گفت بیش از دانستن و علم به فسفه با شوق و عشق به آن، پا به مرحله تدوین تحقیقی گذاردم، دریای موج آن چه پر تلاطم و دست و پا زدن افکار و دانش من چه کودکانه، هزاران بار آرزو کردم که ای کاش سالهایی که فکر می کردم پربارترینند، مرا از دانش فلسفه لبالب ساخته بود اما آنچه در آموخته های من بود در برابر یک طرح محققانه کم می آمد و مرا بیش از پیش شرمنده می ساخت، در این طرح تحقیق از یاری و مساعدت اساتید محترمی که مرا راهنمایی نمودند کمال تشکر و امتنان را دارم خصوصاً از جناب استاد دکتر قراملکی و جناب استاد دکتر احمدی افرمجانی که از یاری و هدایت آنان استفاده فراوان بردم .

زهره شفیع نیا

چکیده

کلیات از دیدگاه فخر رازی و راسل:

مقایسه تطبیقی میان نظرات دو فیلسوف بزرگ فخر رازی و راسل در زمینه «کلی» موضوع رساله حاضر است. فخر رازی از مخالفان کلی عقلی است و به کلی در طبیعت و اعیان موجودات قائل است، اما نمی‌تواند کلی را عین و طبیعتی بداند که به ذهن وارد می‌آید، برخلاف نظر حکمای مشاء، چرا که طبیعت هوشی آن به آن متحقق و افاضه می‌شود و راسل نیز که دارای نظریات متعدد در زمینه کلیات، در یک دیدگاه بنام نظریه مجموعه‌ها، کلیات را اموری غیر واقعی قلمداد می‌نماید و حتی آنها را در نهایت، صرفاً تعبیه‌های نمادین و زبان‌شناختی می‌خواند. اما در رویکردی دیگر کلیات را همانند افلاطون می‌پذیرد و حتی بر واقعی و عینی بودن آنها استدلال می‌نماید البته با این تفاوت که او کلی برتر و جهان عالی افلاطون را مردود می‌شمارد و آنرا غیر منطقی می‌داند.

فخر و راسل را شاید بدلیل موضع‌گیریهای خاصی که در زمینه کلی دارند، غیر معتقد به وجود کلی در ذهن، می‌پندارند، اما با یک رویکرد می‌توان آنها را از گروه نامگرایان خارج دانست چرا که هم فخر راسل وجود مفهومی کلیات را می‌پذیرند اما بدلیل آنکه هر کدام دارای پیش‌فرضهای خاصی در عقائدشان هستند نمی‌توانند کلی را امری موجود و عینی در ذهن بدانند، چرا که بر مبنای فخر اگر کلی این باشد که عین و ماهیتی و در واقع چیستی شیء را بتوان تماماً به ذهن وارد کرد، مردود است و نمی‌توان چنین مفهومی از ماهیت شیء داشت به معنای عین حقیقت و تمامیت آن، و به عقیده راسل نیز کلی مردود است چرا که عینی و متحقق و موجود نیست و در حقیقت جزئی و بالفعل بودن از نظر وی ملاک است زیرا بر مبنای راسل موجود عینی آنست که بالفعل و آن موجود باشد، بنابراین کلی را نمی‌توان یک موجود حقیقی بحساب آورد، پس تصور حقیقی و معنادار نیز از آن نداریم، اما این به معنی آن نیست که از دیدگاه فخر و راسل هیچ معنا و مفهومی از کلی در ذهن نداریم.

واژگان کلیدی:

کلی، کلی طبیعی، مفهوم، ماهیت، انتزاع و تجرید، علم و معلوم.

«فهرست مطالب»

۱	مقدمه
۲	مدخل:
۴	روش:
۶	فخر رازی:
۹	برتراند راسل:
۱۱	اشاره‌ای مختصر به پیشینه بحث از کلیات:
۲۱	کلی در میان فلاسفه اسلامی
۳۳	فصل اول: دیدگاه فخر رازی در کلیات
۳۴	مقدمه:
۴۰	علم و ادراک:
۴۶	قول به اضافه:
۵۱	قوه عاقله:

۶۰	تعلل کلی :
۶۲	موضع ضد افلاطونی :
۶۴	موضع فخر رازی در باب تقسیمات سه گانه کلی :
۷۲	علم جزئی و علم کلی :
۷۵	فصل دوم: دیدگاه راسل در کلیات
۷۶	مقدمه :
۷۷	علم و ادراک :
۸۶	منطق و ریاضیات :
۹۵	شکاکیت :
۹۷	کلیات :
۹۷	موضع اول :
۱۰۵	موضع دوم :
۱۱۰	اعداد و مجموعه ها :
۱۱۹	فرق میان مجمل و کلی :
۱۲۵	فصل سوم: نگاهی تطبیقی ادراک مستقیم
۱۳۵	ردمئل مفارق :
۱۳۸	کلی در طبیعت :
۱۴۱	کلی در ذهن و موضع مفهوم گرایانه :

مقدمه

مدخل:

تبیین نسبت «کلیات» بعنوان مفاهیم ذهنی با مصادیق آن به ویژه با توجه به تنوع سنجی کلیات، مسئله‌ای مهم برای غالب فیلسوفان است.

مسئله کلیات، چه در فلسفه غرب و چه در میان حکمای مسلمان همیشه از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است، وجود الفاظ عام در زبان نشانگر معانی کلی است، در واقع تفکر و اندیشیدن بدون وجود مفاهیم کلی امکان‌پذیر نیست، در هر قضیه و جمله، وجود محمول که جزء تکمیل‌کننده جمله است در واقع یک مفهوم کلی است^(۱) فکر و اندیشه بر اساس کلیات شکل می‌گیرد و از طریق این مفاهیم عام می‌توان بنیاد اندیشه را گذاشت و به تفکر پرداخت و مسلماً بدون آنها نه تفکر امکان‌پذیر است و نه سخن گفتن.

حال این مسئله پدید می‌آید که این مفاهیم کلی و الفاظ عام چه جایگاهی دارد؟ توجه و جودی آنها چگونه است؟ کلی چرا و در چه بستری بوجود آمده است؟

در بررسی‌ای که از تجارب شخصی خود داریم، کلی را در چه جایگاهی می‌یابیم، آیا در

۱- خواجه نصیرالدین طوسی، شرح الاشارات و التنبیها، ج ۱، ص ۳۹.

تجارب ساده و روزانه انسان چیزی بنام کلی وجود دارد این تجربه ژرف‌تر از کجا آمده است؟

آیا آنها همانند جزئیات و مفاهیم جزئی و مشخص ما بازاء خارجی دارند یا صرفاً مفاهیم و معانی ذهنی اند؟ آیا کلی‌ها صرفاً ساخته ذهنی اند یا ارتباطی با عالم واقع دارند و این ارتباط در چه حد است و در هر صورت عمل ذهن برای رسیدن به این مفاهیم چگونه است؟ مفروضات معنی شناختی کاربرد کلیات کدام است؟

همه این سؤالات باعث شده است تا مسئله کلیات در طول تاریخ، تبدیل به بحثی مهم و اساسی گردد که اغلب فیلسوفان درباره آن به اظهار نظر پرداخته‌اند و نحوه اظهار نظر و موضع‌گیری هرکدام در مورد این مسئله در واقع به نحوی در تعیین سرنوشت نظریات بعدی فلسفی آنها نقش داشته است و یا تأثیر بسزایی بر آنها گذاشته است. در تاریخ فلسفه نظرات متفاوت بسیاری در مورد مسئله کلیات ابراز شده است، این مسئله که باروی آورده‌های فلسفی، معرفت‌شناختی و روانشناختی می‌تواند طرح شود، لوازم مختلف در فلسفه و معرفت‌شناسی دارد، از زمان سقراط و افلاطون و تاکنون، چه در فلسفه اسلامی و چه در فلسفه غرب، بحثهای هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مهمی در اینباره در گرفته است.

موضوع این رساله بررسی مقایسه‌ای بین دیدگاه فخر رازی و نظریه راسل در چگونگی حصول کلیات در ذهن و نسبت کلیات با مصادیق است.

عمده‌ترین مسائلی که از دیدگاه هر دو دانشمند یادشده بررسی می‌کنیم عبارتند از:

فرایند حصول درک کلی در ذهن چیست و نسبت ادراکات کلی با عالم واقع و حکایت گری و واقع نمائی آنها چگونه است؟

مفاهیم کلی چگونه (در چه نظام منطقی و با چه شیوه‌ها و شرایطی) قابل تعریف اند؟ آیا کلیت و جزئیت یک تقسیم بندی است که می‌تواند به نحو مانعة‌الخلو همه مفاهیم را شامل شود؟ یعنی مشخصاً در خصوص اسماء اشاره، ضمائر و جمله‌ها و غیر آن چگونه می‌توان از کلیت و جزئیت سخن گفت؟

روش:

در این نوشتار، مسائل مربوط به کلیات با روی آورد تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد، روی آورد تطبیقی پرتوی است برای بهتر دیدن و جامع‌تر نگریستن، یک روی آورد غیر مستقیم برای نزدیکی به مسئله .

یکی از روشهای معمول در تطبیق این است که بین نتایج و جوابهایی که دو نظریه پرداز به سئوالهایشان داده‌اند مقایسه شود، اما چنین مقایسه و تطبیقی بسیار ناقص و در مواردی آفت زاست، چرا که اساساً فهمیدن یک فکر صرفاً در گرو فهمیدن نتایج و پاسخهای یک نظریه و تفکر نمی‌باشد، بلکه در امر تطبیق باید به جوانب دیگر هم اهمیت داد مثل فهم سئوالی که منجر به آن جوابها و نتایج شده است، در بسیاری از موارد، سئوالها یکی است ولی جوابها متفاوت می‌باشد و در بسیاری موارد نیز، جوابها و نتایج یکی می‌باشد اما سئوالات متفاوت است، مثل بسیاری از موارد که در فلسفه شرق و غرب وجود دارد، بهر حال فهمیدن سئوالها و بررسی آنها در راه تطبیق و مقایسه دو

نظریه بسیار مهم است، بعنوان مثال مشکل کانت سؤال حکیمان ما نبوده اگرچه به جوابهای مشابه رسیده باشند بنابراین نباید سهل انگارانه آنها را در پاسخهایشان مقایسه کرد.

در مقام مقایسه نه تنها به سئوالات بلکه باید به پیش فرضها هم توجه کرد، بحث تطبیقی علاوه بر بحث منطقی بر بررسیهای تاریخی استوار است، چراکه موضوع اساساً هویت تاریخی دارد. همچنین نوع تقسیماتی که در یک مسئله رخ می دهد هم بسیار مهم است، یک موضوع خاص ممکن است در طی تاریخ فلسفه انواع معانی پیدا کند بگونه ای فیلسوفان متوجه تنوع معانی متعدد آن نباشند و لفظ واحد با معانی بکار رود، مثل علیت که نزد فیلسوفان مسلمان مساوی است با علیت در اصل وجود ولی از نظر فیلسوفان غرب، علیت پس از وجود مطرح است، بنابراین اگر یک لفظ بکار می رود دلیل بر این نیست که معنی آنها یکی است، ممکن است در طول زمان و مباحث مختلف معنی آن تغییر کرده باشد.

از نکات مهم دیگر که در امر تطبیق قابل اعتناست و توجه به آنها دارای اهمیت است، توجه به لوازم منطقی و توابع یک نظریه است و هم چنین توجه به رقبا و امثال و حتی بررسی سیستم های مختلف دو نظریه و توجه به آن بسیار مهم است.

بنابراین و با توجه به این نکات در امر تطبیق ابتدا دو دیدگاه مقایسه می گردد و هرگونه مشابهت و تفاوت ولو ظاهری بدست می آید و بعد از آن به مواضع خلاف و وفاق واقعی می رسیم یعنی بررسی می کنیم که آیا اختلاف و شباهت ظاهری است یا واقعی و

بنابر نکاتی که گفته شد به تبیین این مواضع و نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

هدف از انتخاب این دو فیلسوف «فخر رازی» و «راسل» این بود که از حکمای اسلامی فردی انتخاب شود که دیدگاه نقادانه داشته باشد و غیر پیرو باشد و همچنین دغدغه الهیاتی داشته باشد با گرایشهای فلسفی و در مورد مسئله کلیات نیز دارای دیدگاه خاصی باشد و همینطور راجع به راسل یک فیلسوف از غرب معاصر انتخاب شده است که دارای دیدگاه انتقادی است و همچنین غیر پیرو است و در مسئله نیز دارای دیدگاه خاص است و هر دو کم و بیش در مورد کلیات نزدیک به هم فکر میکنند.

فخر رازی:

امام فخرالدین رازی^(۱)، فیلسوف و متکلم قرن ششم هجری از شخصیت‌های علمی بسیار مؤثر در تاریخ فکری اسلامی است، سخنان و دقت نظرها و انتقادهای متعدد و دقیق او در فلسفه و کلام اسلامی دارای تأثیر شگرف و عمیقی بر مباحث و مسائل کلامی و فلسفی بوده است، تا بحدی که او را از شمار مجددان به شمار آورده‌اند^(۲).

او در شهر ری در خاندانی از اهل علم دنیا آمد، وی در میان مردم به «ابن الخطیب» و «شیخ الاسلام» معروف بود^(۳). او همچنین از آنجهت که برخی شکوک و شبهات را در

۱- ۲-۵۴۴-۶۰۶ ه.ق.

۲- بر اساس حدیث معروفی که در هر قرنی در عالم اسلام مجددی ظهور می‌کند، فخر رازی را نیز مجدد اسلام در قرن هفتم دانسته‌اند. سبکی، تاج الدین عبدالوهاب بن علی: طبقات الشافعية الكبرى، ج ۱ تحقیق محمود محمد الطناحی و عبدالفتاح محمد النحلوی، مطبعة عیسی البابی الحلبی و شرکاء، القاهرة، (۱۳۸۳ ه.ق ۱۹۶۴ م) ص ۲۰۲.

۳- مدرس تبریزی، محمد علی ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه أواللقب،

میان مردم و در اذهان بر می‌انگیخت در رابطه مسائل عقلی و دینی، معروف به «امام المشککین» شده بود^(۱).

فخر رازی سخنرانی ماهر بود که مردم بسیار مایل به شنیدن و عظ و سخنان وی بودند و همچنین بسیار مورد توجه حاکمان و پادشاهان زمان خود بود او دارای ذهنی آزاد و مستقل بود و در تألیفات و آثار علمی خود کمتر تحت تأثیر کسی قرار می‌گرفت. و در اکثر موارد به نقد و شک در علوم و آثار به جا مانده از دیگر عالمان می‌پرداخت.^(۲) فلاسفه بعد از فخر، مانند ملاصدرا و خواجه نصیر طوسی، اگر چه از مخالفان او به شمار می‌آمدند مباحث زیادی را به رد تشکیکات وی اختصاص داده‌اند که این مسئله اهمیت و نفوذ افکار این فیلسوف را در عالمان بعد از او نشان می‌دهد.^(۳)

فخر رازی را به چند علت دارای شخصیت منفی می‌دانستند. او بهر حال بسیار منتقد و شکاک بوده، و همچنین بر علیه او بدبینی و دشمنی‌هایی وجود داشته بدلیل آنکه وی اولاً بسیار مورد توجه شاهان بوده و از مال و ثروت بهره‌مند و این سبب حسد حاسدان می‌گشت، همینطور بسیار در فن مناظره چیره دست بوده است و با هر کسی به مناظره بر می‌خاست با قدرت بسیار به بحث با او می‌پرداخت و بالاخره می‌توان سنت ستیزی او را مهمترین عامل در این مسئله قلمداد کرد، نفی تقلید و کوشش برای کسب و ارائه

جلد ۳، چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب ۱۳۶۹، ص ۱۹۲.

۱- همان،

۲- دائره المعارف فارسی، ج ۲، ص ۱۸۴۷.

۳- همان